

## واکاوی نظام ساختاری شهرهای ایران در دوره صفویه، بر اساس مطالعه متون و اسناد تاریخی نمونه موردی: سفرنامه آدام اولتاریوس

تاریخ دریافت: ۱۳-۰۶-۱۴۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۵-۰۷-۱۴۰۱ (صفحه ۴۷-۳۵)

الهام تقی‌زاده\*، نعیمه خداداد\*\*، احمد میرزا کوچک خوشنویس\*\*\*

### چکیده

دوره صفوی که به دلیل رشد اجتماعی و رونق اقتصادی بستر مناسبی برای اعتلای فرهنگ ایرانی-اسلامی بوده است. نقطه عطفی در تاریخ ایران محسوب می‌شود. شناخت ساختار شهرهای دوره صفویه بر اساس متون و نقشه‌های تهیه شده توسط سفرنامه‌نویسان از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چراکه شهرها، پس از دورانی از فترت و زوال شهرنشینی، با رشد و توسعه‌ای مواجه می‌شوند و شکل و ساختار آنها تغییر می‌یابد. مطالعه متون تاریخی و کتب جغرافیدانان و سیاحان، به عنوان شکل ویژه‌ای از منابع باقیمانده، نقشی اساسی در مطالعه شیوه معماری و شهرسازی ایران دارند. از اسناد تاریخی تصویری بجا مانده، شهرهای دوره صفوی نقشه‌های منحصربفردی است که توسط اولتاریوس ترسیم و در سفرنامه وی آمده است. بررسی این نقشه می‌تواند ساختار شهرهای این دوره را از ابعاد مختلف مکشوف سازد. هدف این پژوهش، تبیین نظام ساختاری معماری و شهرسازی دوره صفویه و تحلیل ساختار کالبدی شهرها در عصر صفوی است. پژوهش حاضر از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. شیوه و ابزار گردآوری داده‌ها، به روش متن‌کاوی اسناد و مدارک است. تجزیه و تحلیل داده، به شیوه کیفی، و متکی به تفکر، استدلال و تحلیل عقلانی است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که پیدایش نظم و کلیتی معنادار در شهرهای دوره صفویه، متأثر از نظام هندسی و سازماندهی کالبدی است. شکل دادن به کلیت شاکله شهر، بر مفاهیمی همچون؛ مفصل‌ها، جهت‌ها و محورها سلسله‌مراتب، ارزش‌گذاری، مرتبت و منزلت تعیین فضایی و به هم پیوستگی تأکید می‌کند.

**کلیدواژگان:** واکاوی، نظام ساختاری، دوره صفویه، متون تاریخی، سفرنامه آدام اولتاریوس.

\* دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، ایران.  
Email: Elham.taghizade1305@gmail.com (نویسنده مسئول)

\*\* دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خلخال، ایران.  
\*\*\* استادیار گروه معماری، پژوهشکده میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

## بیان مسئله

اولتاریوس یکی از نمونه‌های قابل استناد برای ترسیم تصویر ذهنی از شهر در دوره صفویه است. تحلیل و بررسی تصاویر و نقشه ترسیمی شهرها در سفرنامه اولتاریوس توسط وی و تطبیق آن با متون تاریخی، عناصر شاخص شهر و موقعیت و وضعیت آنها را مشخص می‌کند. چراکه شناخت هر پدیده و درک فرآیند تاریخی و تحول آن به این دلیل اهمیت دارد که به مدد آن می‌توان به مسائل، تنگناها و سؤالات مطروحه پاسخ گفت و یا به سخنی بهتر، عوامل چرایی موضوع را باز شناخت. با نگاهی به شهرهای دوره صفوی این نکته مشهود است که نظام ساختاری بر پایه اصول خاص کالبدی و طبیعی بوده است و عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در آن دخیل بوده است. بررسی ماهوی شهر اسلامی در زمینه وضعیت اجتماع شهری و همچنین کالبد شهری حائز اهمیت است.

همانطور که گفته شد دوره صفویه از اعصار مهم شهرنشینی ایران است بطوری که مهم‌ترین مرجع شهرسازی کشور در تمامی دوره‌های بعد از خویش شده است. نظام شهرسازی دوره صفویه توانسته الگوی مناسب شهر ایرانی اسلامی را در این برهه از تاریخ کشور بر اساس سنت دیرینه مفاهیم شهرسازی ایران برنامه‌ریزی و طراحی کند. لذا همین امر ضرورت توجه به معماری و شهرسازی و همچنین شکل‌گیری کالبد شهر در نظام شهرسازی صفویه که منتسب به عناصر الوهیتی، کمالگرایی و تداوم و پیوستگی تاریخی است، آشکار می‌کند. هدف اصلی پژوهش حاضر بیان اساس شکل‌گیری نظام ساختاری معماری و شهرسازی دوره صفویه و شناخت این ساختار با استفاده از متون و نقشه‌های تاریخی در این دوره است. و هدف جزئی بررسی تحولات تاریخی و ساختار کالبدی شهرهای مهم ایران در سفرنامه اولتاریوس در جهت رسیدن به هدف اصلی پژوهش است.

## پیشینه تحقیق

متأسفانه تا کنون مطالعات دقیقی در راستای پاسخگویی به سؤال اصلی تحقیق صورت نپذیرفته است. اندک مطالعات انجام شده در رابطه با نظام معماری و شهرسازی دوره صفوی در متون تاریخی را می‌توان به ۳ دسته تقسیم کرد:

دسته اول شامل کتابها و مقالاتی است که جهت بررسی مباحث مربوط به نظام معماری و شهرسازی در دوره صفویه توسط صاحب‌نظران سفرنامه‌های جهانگردان، مطالب و نقشه‌های که

با نگاهی به شهرها این نکته مشهود است که شکل‌گیری و حیات آنها بر پایه اصول خاص انسانی، کالبدی و طبیعی بوده است. شهر اسلامی همانند سایر شهرهای حوزه‌های تمدنی غیر اسلامی با استفاده از شیوه‌های شهرسازی و ویژگی‌هایی دارد که دارای وجوه اشتراک زیاد با یکدیگر و خصایص متمایز کننده نسبت به سایر شهرهای غیر اسلامی است. دوران صفوی همچون جواهری در تاریخ ایران می‌درخشد همواره حسی از شکوه و عظمت و امنیت را در ذهن ایران‌شناسان ایجاد می‌کند. در دوران صفویه، ایجاد شهرها و گسترش آنها بر مبنای اصول بوده و از ویژگی‌های مهم شهرسازی ایرانی بخصوص در روزگار صفویه، پیوند شهر و کالبد معماری آن بوده است.

و اکاوی ساختار شهرهای دوره صفویه بر اساس متون و نقشه‌های تهیه شده توسط سفرنامه‌نویسان حائز اهمیت می‌یابد زیرا نظام شهرسازی دوره صفویه توانسته الگوی مناسب شهر ایرانی اسلامی را در این برهه از تاریخ کشور بر اساس سنت دیرینه مفاهیم شهرسازی ایران و با بهره‌مندی از تجارب کشورهای متمدن آن دوره برنامه‌ریزی و طراحی کند. منابع مکتوب از مهم‌ترین منابع تاریخ معماری ایران است اما تاکنون به آن توجهی نشده است. چراکه هر متن فارسی بالقوه حاوی اطلاعات معماری و شهرسازی است و نمی‌توان متون فارسی را بیرون از دایره منابع تاریخ معماری ایران قرار داد (ورجاوند ۱۳۶۷).

سوالی که مطرح می‌شود این است نظام ساختاری شهرها در دوره صفویه چه مؤلفه‌هایی داشته است؟ و آیا این مؤلفه‌ها را در نظام ساختاری معماری و شهرسازی ایران می‌توان اثبات کرد؟ برای آگاهی از نگرش‌های صاحب‌نظران درباره مسئله مورد مطالعه، از میان منابع دست اول که توصیف کننده نظام شهرسازی دوره صفویه باشد به مطالب نویسندگانی چون شاردن، بلانت، دلاواله، تاورنیه، کمپفر، اولتاریوس، که به عنوان سفیر یا جهانگرد وارد ایران شدند و به سبب طبیعت‌گرا بودن توصیف آنها از ساختار شهری دوره صفویه می‌توان به عنوان منابع قابل استناد استفاده کرد. یکی از قدیمی‌ترین اسناد تصویری موجود از ساختار شهر در دوران صفویه نقشه آدم اولتاریوس است که در سفرنامه وی آورده شده و توضیحاتی در مورد ساختار شهر بیان کرده است. اولتاریوس بیش از سایر محققان با دیدگاه شهرسازانه به نظام شهرسازی دوره صفویه نظر داشته است.

رودخانه به جنوب آن و مجاورت با ضلع شرقی بازار، همچنین رونق افتادن میدان مشهور صاحب آباد در اواخر صفوی، اهمیت زیادی در ساختار شهر داشته است. مقاله دیگر بازنمایی عناصر هویتبخش شهری در سفرنامه‌ها (مطالعه مقایسه‌ای تهران و شهرستان‌های استان تهران) از سیدسعیدرضا عاملی و منیژه اخوان است که موقعیت شهر تبریز به لحاظ جغرافیایی بررسی شده و با توجه به استاد تاریخی مهم از طریق مقایسه ابعاد باروی شهر در ادوار مختلف امکان‌پذیر است. دسته سوم مطالعاتی است که مشخصاً سفرنامه اولناریوس را که در دوره صفویه به ایران سفر کرده مورد مطالعه قرار داده است. مقاله «بازخوانی ساختار شهر اردبیل دوره صفویه بر اساس تطبیق متون تاریخی در نقشه آدام اولناریوس» (سامان ابی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸)، که مشخصاً شهر اردبیل را در سفرنامه اولناریوس تحلیل کرده و موقعیت خیلی از عناصر شهری را در نقشه‌ها براساس این ذهنیت خاص مورد خوانش قرار داده است. و مقاله مؤلفه‌های فرهنگی تأثیرگذار بر شکل‌گیری شهر اردبیل در دوره صفویه از همین نویسندگان. با بررسی‌های انجام شده بر روی مقالات و مطالعات صورت گرفته بر روی استاد و سفرنامه‌های تاریخی می‌توان دریافت که در هیچ یک از این مقالات به بررسی سفرنامه از باب مطالعات شهری برای چند شهر ایران در دوره صفویه پرداخته نشده است و در برخی مقالات به تطبیق اسناد تاریخی اکتفا شده است.

### روش تحقیق

به منظور انجام این پژوهش اولین اقدام بعد از مشخص کردن حدود مسئله، جمع‌آوری اطلاعات از منابع اسنادی و مدارک انجام گرفت. بعد از جمع‌آوری اطلاعات، تفسیر از اطلاعات به‌دست‌آمده مطرح می‌شود. از آنجایی که جمع‌آوری داده‌ها بر مبنای متن کاوی با بررسی و مراجعه به مدارک و اسناد است، چنانچه اطلاعات تاریخی از منابع دست اول گردآوری شده باشد، نیازمند تحلیل اولیه نسبت به اسناد تهیه شده است. لذا با توجه به مطالعه حاضر، تجزیه و تحلیل اولیه و ثانویه در دستور کار پژوهش حاضر قرار دارد و به صورت مشخص به دو طریق انجام می‌گیرد:

- تجزیه و تحلیل نظام ساختاری و بررسی تحولات و ارزش‌ها در یک دوره تاریخی که در اینجا بررسی این تغییرات و رویدادها و تأثیر آنها بر معماری و شهرسازی دوران صفویه است.

توسط آنها ثبت شده است. توصیف‌های آنها از ساختار شهری دوره صفوی به عنوان منابع معتبر بدین شرح است. مقاله «خوانش شهرسازی معناگرا در شکل‌گیری کالبدی شهر در نظام شهرسازی دوره صفویه در ایران» (علیمرادی و همکاران، ۱۳۹۸) و مقاله «تحلیل آموزه‌های شهرسازی در شکل‌گیری کالبد شهر (مطالعه موردی: دوره صفویه، شهر اصفهان)» (علیمرادی و همکاران، ۱۳۹۸) که به ترتیب به توسعه شهری در دوره صفویه که بازتاب ترجمان فضایی معیارهای معناشناسانه در راستای تلفیق نوآورانه برای قابلیت‌های خود، در پاسخگویی توأمان به نیازهای کالبدی، روانی و معنوی مردم بوده است و نظام شهرسازی دوره صفویه که در این مقاله متأثر از نوع جهان‌بینی ناظر توصیف شده است، پرداخته شده است و مقاله «سازمان فضایی شهر تبریز در دوره ترکمانان و تأثیر آن بر نظام ارتباطی میان مرکز شهر قدیم با مرکز حکومتی جدید در پایتخت‌های صفویان» از ساناز جعفرپورناصر در مورد نظام توسعه‌ای شهر تبریز که سعی در پاسخگویی به سولات مرتبط با سازان فضایی شهر تبریز در دوره ترکمانان، و چگونگی بکارگیری عناصر شهری در قالب یک نظام ارتباطی در پایتخت‌های صفویان دارد. سپس می‌توان از مقاله «بازنمایی معناهای فضاها و فضاهای شهری اردبیل دوره صفویه با نظریه فرهنگی هال» به روایت محمدتقی پیربائی، احد نژاد ابراهیمی، سامان ابی‌زاده نام برد که در شناسایی فرهنگ شهری، توجه به انواع یا اشکال گوناگون فضاها و شهری و معانی و فم اهیم آنها گام برداشته است. در این راستا، مطالعه فرهنگی شهرهای تاریخی زمینه مناسبی جهت درک تحولات تاریخی و دگردیسی شهر و شناخت فرهنگ شهرسازی جامعه انجام گرفته است. «تبیین اصول هندسی حاکم بر خیابان در شهرهای دوره صفوی؛ مطالعه موردی: اصفهان، قزوین و مشهد» از لیلا مدقالجی و سمیه صدری کیا نمونه مقاله‌ای است که نظام هندسی حاکم بر خیابان صفوی، سبب پیدایش نظم و کلیتی معنادار در ساختار شهری شده است. این کلیت معنادار، واجد مؤلفه‌ها و عوامل متعددی است که در ایجاد کیفیت و نقش انتظام بخش آن تأثیرگذار بوده است. دسته دوم مقالاتی که به صورت موردی اقدام به بررسی متون تاریخی کرده‌اند. در این دسته مطالعات می‌توان مقاله «ساختار فضایی شهر تبریز در دوره صفوی با مقایسه تطبیقی سفرنامه‌ها و اسناد تصویری» (لیدا بلیلان اصل، ۱۳۹۴) را عنوان کرد که با بررسی ایشان در طول دوره صفویه در شهر تبریز جابه جایی مرکز حکومتی شهر از شمال

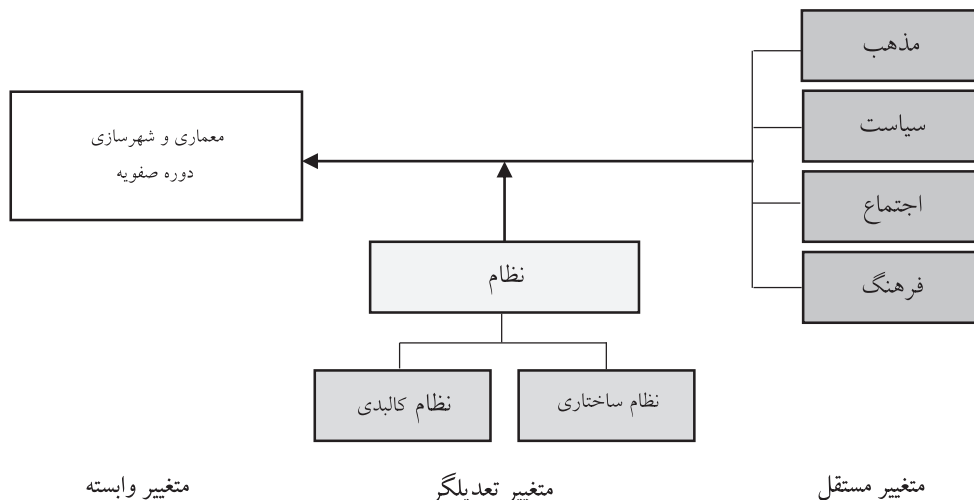
مختلف دارد، می‌توان چنین بیان داشت که شهر در هر دوره‌ای نمایاننده روابط نظام‌های مختلف حاکم بر جوامع است به گونه‌های که شهر چیزی نیست جز ترجمان فضایی اندیشه و روابط انسان‌ها با محیط (محمدی، ۱۳۷۴: ۶۰۵). نگاه به شهر در ایران گویای واقعیت انکارناپذیری است که اندیشه ساماندهی و سازماندهی نظام شهرسازی در ایران بر مبنای یک جریان جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و فکری نیست، بلکه آکنده از اذهان منفرد و تفکرات متباین است (علی‌مرادی و همکاران، ۱۳۹۸). بازخوانی تاریخ صفویان آشکار می‌سازد که علیرغم جنگ‌های متعدد داخلی و خارجی، این دوره را می‌توان از نظر سیاسی و اجتماعی، یکی از بهترین ادوار تاریخ دوره اسلامی ایران برشمرد. تشکیل حکومت مرکزی، نخستین و مهم‌ترین ویژگی این دوران، در قیاس با ادوار گذشته است. ثبات و اقتدار حکومت، امنیت را برای مردم به همراه آورد و به تدریج، کسب و کار رونق یافت و وضع معیشتی مردم به سامان گشت (طیسی، فاضل‌نسب، ۱۳۹۱) و به تبع آن معماری و شهرسازی خاص این دوره در اثر توجه پادشاهان صفوی و خلاقیت معماران شکل گرفت.

- روش تحلیل کارکردی که به تجزیه و تحلیل رویدادها و تغییرات ایجاد شده بر شهرسازی دوران صفویه می‌پردازد. پس از تحلیل داده‌ها استخراج نظریه‌ای مرتبط با آن مدنظر قرار گرفت و در انتهای پژوهش، کار نوشتن و تدوین یافته‌ها صورت گرفت. تحقیق حاضر از نظر ماهیت و نوع مطالعه توصیفی تحلیلی است. از نظر قلمرو زمانی مربوط به دورهٔ صفویه و از نظر قلمرو مکانی، شهرهای اردبیل، قم، کاشان، ساوه، اصفهان به عنوان بستر نمایش ایده‌های ذهنی نظام شهرسازی است. قلمرو موضوعی آن در حیطه مطالعات برنامه‌ریزی شهری قرار می‌گیرد. تحقیق مورد نظر از نظر ماهیت داده‌های مطالعه کیفی، و متکی به تفکر، استدلال و تحلیل عقلانی است. از این رو با توجه به هدف تحقیق و اسناد مکتوب نوشتاری، تصویری و نقشه‌های آدام اولناریوس، به عصر صفویه و نظام شهرسازی دورهٔ صفویه تکیه می‌شود. شیوه گردآوری اطلاعات در این تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و مرور اسناد و مدارک است. روش تجزیه و تحلیل بر اساس ماهیت داده‌ها شیوه کیفی است. با توجه به عوامل مؤثر در ایجاد مسئله تحقیق، مدل مفهومی پژوهش به صورت «نمودار ۱» تحلیل می‌شود.

### تأثیر اوضاع اعتقادی - سیاسی بر معماری و شهرسازی دورهٔ صفوی بدون شک، شکل‌گیری حکومت صفویه در ایران در قالب یک

### چارچوب نظری پژوهش

اگر شهر را آینه تمام‌نمایی بدانیم که تصویر شکل گرفته در آن ارتباط نزدیکی با نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جوامع



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش.

فرصتی را فراهم آورد تا معماری و دیگر هنرها به بهترین نحو در قالب ایده‌های مرتبط با جهان‌بینی خاص دوران بروز یابند (ستیرلن، ۱۳۷۷: ۴۱). آن‌چنان که از بررسی آرا و نظرات در تحلیل این دوره تاریخی برمی‌آید، معماری آن برآیندی از سه مقوله تشیع، اشراق (بر پایه حکمت ایرانی) و عرفان است؛ که به صورت یک کل واحد و منسجم در قالب نمادها و نمودها ظهور می‌یابد.

### تأثیر اوضاع اجتماعی-فرهنگی بر معماری و شهرسازی دوره صفوی

در جامعه صفوی، رأس هرم قدرت شاه قرار داشت، او حاکم مطلق بود. امور مملکت را با رعایت قوانین مذهبی انجام می‌داد و هیچ یک از وزیران و درباریان در مقابل شاهان صفوی (به خصوص شاه عباس اول) قدرت و نفوذی نداشتند. وی همواره و همه روزه مجلس مشاوره در کشیک خانه تشکیل می‌داد و امور جاری را مورد مطالعه قرار می‌داد و نتیجه امور به عرض شاه می‌رسید و اگر وی تصویب می‌کرد به مورد اجرا در می‌آمد. عزل و نسب کلیه مقامات بر عهده شاه بود. بی‌تردید اساس دولت صفوی در اتحاد دین و دولت بود و انسجام این دو، نقش بسیار مهمی در استحکام و وفاداری ملی، سیاسی و اقتصادی ایفا می‌کرد (ریاض الاسلام، ۱۳۷۳: ۱۹)

اهمیت دادن دولت صفوی به تشیع و توجه ویژه به علمای شیعی مذهب و حمایت از علمای مذهبی باعث شد که به تدریج علما در امور اجتماعی و سیاسی مملکت مؤثر واقع شوند و این تأثیر و نفوذ در دوره طهماسب اول و حسین اول به اوج خود رسید.

در طول حکومت صفویه، قدرت مذهبی و قدرت دنیوی، جز در مواردی نادر (مانند شیخ احمد اردبیلی که روش عباس یکم را در اداره حکومت نمی‌پسندید و آن را حکومت بر ملک عاریه می‌دانست) عدم تفاهم چندان بین دو قدرت حاکم - قدرت مذهبی و قدرت دنیوی - پیش نیامد و اتحاد دولت و علما به صورت پدیدار شدن مشاغل و مناصبی تجلی نمود. نظر کلی سلاطین صفوی در برابر مذهب و مقام‌های مذهبی این بود که با افزودن تعداد محاکم عرف و ایجاد اغتشاش و بی‌نظمی در فضای شرعی شهرها و تحت سلطه ظاهری و دنیوی در آوردن پیشوایان اسلامی و کاستن از فعالیت آنان بود (شاردن، ۱۳۳۵: ۷۱). وضع شهرها و تجارت در دوره صفوی، به دنبال

دولت شیعه اثنی‌عشری را، باید یکی از مهم‌ترین فصول تاریخ ایران و اسلام به شمار آورد؛ زیرا تلاش و مبارزات شیعیان، بیش از ۹ قرن ادامه یافت تا آن که مذهب شیعه، دین رسمی ایران شد (مزاوی، ۱۳۶۸: ۲۸). شناسایی رسمی مذهب شیعه، به مکتب امامت بعدی سیاسی بخشید و در نوزایی حقیقی ایران در عهد شاه عباس اول سهمی بر عهده داشت (استیرلن، ۱۳۷۷: ۲۵).

یکی از مهم‌ترین عواملی که زمینه را برای فراگیر شدن تشیع فراهم ساخت، تصوف بود. بدین ترتیب از مهم‌ترین نیروهای دخیل در شکل‌گیری این دوره تاریخی است. بعضی از طریقت‌های تصوف با گرایش‌های باطنی شیعی، ایران را از یک سرزمین سنی مذهب به یک مملکت کاملاً شیعی مذهب تبدیل کردند (استیرلن، ۱۳۷۷: ۳۳۶). با گسترش تفکر شیعی در ایران و اشاعه علوم مذهبی، شخصیت‌های برجسته‌های چون میرداماد و ملاصدرا تربیت شدند. به همین خاطر با کمک متفکران و فیلسوفان این دوره، به تدریج زمینه برای ترکیب و تلفیق مکاتب مختلف تفکر اسلامی در زمینه و بافت تشیع حاصل شد (استیرلن، ۱۳۷۷: ۳۳۹). و باعث شد تا الهیات شیعه به وسیله عرفا و فیلسوفان ایرانی بسط یابد.

در اثر توجه پادشاهان صفوی و خلاقیت معماران، مکتب اصفهان شکل گرفت که باعث تمایز میان این مکتب با معماری ادوار گذشته شد. به عبارت بهتر، در این دوره، معماری از یک اساس و نیازهای طبیعی شکل گرفت؛ معماری ارگانیک، که صرفاً به معماری خردگرا بدل شد و واجد ارزشهای فلسفی، هنری و فنی است (طیسی، ۱۳۸۶: ۲۱۸). در این دوره با مطرح شدن اندیشه شیعی در جامعه و رسمیت یافتن تشیع و با وجود تفکرات خاص حاکم بر زمان، از لحاظ علمی، فلسفی و سیاسی با دوره متفاوتی روبه‌رو هستیم که تأثیر مستقیم بر هنر و معماری گذاشت. با تأسی از اندیشه اشراقی و بینش عرفانی همه گونه‌های هنر ایرانی متأثر شدند و نقاشی و معماری با آن که در قالب زمان-مکان هستند و از این رو دو بعدی و سه‌بعدی‌اند، در این دوران فضاهای بسیار جدید به وجود آمدند (خاتمی، ۱۳۹۰: ۱۷۱) در آثار هنری این دوره از فرهنگ ایرانی، نه تنها شاهد گستردگی اندیشه‌های عرفانی در هنر، بلکه شاهد تنوع صور آن نیز هستیم (خاتمی، ۱۳۹۰: ۱۵۵). در این میان، تشکیل حکومت واحد و مقتدر شاهان صفوی به بسط و گسترش هنر کمک مؤثری کرد. تقید شاهان به تشیع و توجه آنها به هنر،

تأثیرات جهانی خود را نیز به منصف ظهور می‌رساند (علی‌مرادی و همکاران، ۱۳۹۹). اوج اقدامات شهرسازی در عهد صفوی هنگام سلطنت شاه عباس اول است که زمان شکوفایی هنرهای مختلف و همچنین معماری و شهرسازی در دوره صفویه است. این دوره شروع سبک جدیدی تحت عنوان مکتب اصفهان است. مکتب جدیدی که بر اساس الگوی آرمانی صفویه از تفکر به اجرا در می‌آید، تلفیقی دقیق و روشن را از وضع مطلوب عرضه می‌دارد. در این تلفیق دو روش طراحی ارگانیک و خودگرا آمیخته شده و مفهوم جدیدی از برنامه‌ریزی و طراحی نهایی را به وجود می‌آورد، شهرهای دوره صفویه عرصه کالبدی چنین تفکری است. مکتب اصفهان در شهرسازی در پی تحقق بخشیدن به اصلی برای توسعه است؛ یعنی اصل توازن و تعادل کالبدی، با این مشخصات مبانی و مفاهیم اساسی در شهرسازی دوره صفویه بدین شرح قابل جمع‌بندی است:

پیش از ورود به عصر مدرنیته، نظام شهرسازی ایرانی-اسلامی در انطباق با شرایط فکری، اقتصادی-اجتماعی، تداوم تاریخی و جغرافیایی شکل گرفته بود. به دیگر سخن ساختار کالبدی شهر چیزی جز تجلی فضایی اعتقادات باورها تاریخ، آداب و سنن و فرهنگ جامعه نبود. بر همین مبنا، نگاه به شهر در دوره معاصر ایران گویای واقعیت انکارناپذیری است که اندیشه ساماندهی و سازماندهی نظام شهرسازی، بر مبنای یک جریان و رمزهای برخاسته از پیام‌های معنایی نیست، بلکه آکنده از اذهان منفرد و تفکرات متباین است (علی‌مرادی و همکاران، ۱۳۹۹). شهر در دوره صفویه از محیط پیرامونی خویش مستحیل می‌شود و بنابراین در توافق کامل با محیط پیرامونی خویش قرار می‌گیرد، در توافق، همزیستی و وحدت چندسویه با محیط اطراف خود است و برج و باروی شهر نه به عنوان یک عنصر متمایز کننده شهر از روستا بلکه به عنوان حصاری برای تعریف محدوده کالبدی شهر به کار گرفته می‌شود، در این دوره، رونق و آبادانی شهر نه از طریق بازسازی شهر کهن بلکه از مسیر ایجاد مجموعه‌های شهری جدید در کنار شهر کهن دنبال می‌شود، بنابراین نه تنها شهر قدیم را مورد جراحی و نوسازی قرار می‌دهد، بلکه با ایجاد مجموعه‌های جدید و اعلام دیدگاه‌های جدید از طریق آنها، دگرگونی و دگردیسی را در بافت‌های کهن می‌پراکند. با انقراض حکومت صفویه، فعالیت‌های شهرسازی نیز از رونق می‌افتد و هیچ یک از حکومت‌های افشاریه، زندیه و قاجاریه نمی‌توانند تأثیری در نظام شهرسازی ایران داشته باشند.

مسائل مزبور، از شکل سنتی و ویژه خود خارج نشد. رونق و رشد شهرها تداوم یافت. جنبه‌های ترانزیتی و واسطه‌گری کالا در این شهرها، البته جنبه غالب بود. روند احیا و رونق‌گیری برخی شهرها که خود نتیجه‌ای از رشد آرام نیروهای تولید جامعه از سویی و رشد تولیدات کالایی به‌ویژه در مناطق شهری بود، ویژگی بارز حیات شهری این دوره است (صفا کیش، ۱۳۹۰: ۱۹۷).

در نهایت باید گفت که ظهور صفویه، به روند رشد آرام مناسبات اجتماعی کمک زیادی کرد. عواملی که عملاً در رونق این امور مؤثر افتاد را می‌توان به طور کلی به این گونه دید که:

- روند تکمیل و گسترش مرزهای ایران و استقرار یابی اقتدار سیاسی جدید در قالب مرزها
- ظهور و تثبیت اقتدار صفوی در عرصه بین‌المللی که از طریق برقراری توازن قوا با رقبای مقتدر سیاسی آن روز خود (عثمانی، ازبکان و...) به دست آمد.
- رشد و توسعه، نظام اداری مرکزیت‌گرا در کشور احیا و نوسازی ساخت سیاسی کهن ایرانی که با بهره‌گیری از عوامل سابق و لاحق در مراحل اولیه خود نوعی ترقی در عرصه مناسبات اجتماعی آن روز جامعه ایران محسوب می‌شد. این مسائل به دنبال خود، وحدت بازارهای داخلی را تأمین کرده، به‌ویژه که این روش بهره‌های خوبی در پی داشت، یعنی علاوه بر استحکام ناشی از اقتدار سیاسی، با علایق مذهبیون و سیاسیون (سلطنت ایرانی) نیز قوام یافته بود (صفا کیش، ۱۳۹۰: ۱۹۷).

### نظام کالبدی شهر در دوره صفویه

در تاریخ شهرسازی و شهرنشینی ایران در قرون متأخر اسلامی نقطه عطفی اتفاق افتاده و آن تغییر اساسی ساختار شهرهای ایران با ساختار فضاهای عمومی متمایز از اماکن مذهبی و ایجاد ابنیه زیبا از حیث جنبه‌های معمارانه، رونق شهرنشینی و همچنین احداث عناصر اصلی طراحی شهری است.

سرزمین ایران در طول تاریخ شاهد شکل‌گیری حکومت‌های گوناگون بوده است. در این بین، دوره صفویه جایگاه ممتازی در تاریخ ایران به خود اختصاص داده است. این حکومت به سبب تمرکز قدرت سیاسی، که اولین حکومت متمرکز بعد از اسلام در ایران است و نیز به سبب تأکید ویژه به فرهنگ شیعه، از لحاظ شهرسازی زاینده تمدنی می‌شود که علاوه بر ایران،

تنها اقدام قابل توجه انجام یکسری فعالیت‌های شهرسازی در پایتخت زندیان (شیراز) است.

شهرسازی به مثابه بستر فرهنگ، بازتاب و ترجمان فضایی اندیشه‌ها، وظیفه اصلی آن تبلور کالبدی شهر بر مبنای باورها، اعتقادات جمعی است. بر این اساس نظام شهرسازی دوره صفویه نیز تحت تأثیر ایدئولوژی اسلامی و بر پایه یک جریان فکری و اعتقادی تجلی فضایی پیدا می‌کند. به دیگر سخن در نظام شهرسازی دوره صفویه میان اعتقادات و فضاهای شهری مناسبتی وجود داشته است. تحول و تکامل شهر ایرانی اسلامی در نظام شهرسازی صفویه بر مبنای اصول نانوشته، منبعث از جهان‌بینی مأخوذ از وحی منجر به الگویی شناخته‌شده و با هویت شهر ایرانی-اسلامی شد. این هم‌نوایی و هماهنگی بین اصول شهرسازی و معماری با اعتقادات و فرهنگ مردم حاکی از آن است که ضوابط و مقررات جامعی به صورت الگوهای حرفه‌ای بین شهرسازان و معماران سینه به سینه منتقل شده و منجر به خصوصیات شکلی و مفهومی هماهنگ در کالبد شهر در دوره صفویه می‌شود. با تأمل در سیمای بصری سازمان فضایی شهر در دوره صفویه به وضوح تجلی نظام مادی (نظم آب، نظم گیاه، نظم خاک، نظم هوا، نظم خاک) و نظام معنایی (نظم مقدس) آشکار است. عبور از واقعیت به مجاز از طریق بهره‌گیری از عناصر طبیعی با بازیهای شکلی و نمادی به منظور ایجاد حس مکان و این همانی با فضا، وحدت و کثرت و پیوستگی فضایی و... متأثر از نوع جهان‌بینی ناظر بر آن بوده است (علی‌مرادی و همکاران، ۱۳۹۹).

نظام شهرسازی صفویه بر اساس مفاهیم فرهنگی جامعه ایرانی، تداوم تاریخی، ذهنیت حاکم بر جامعه، سنت‌های کهن زیست، خود اتکایی و حل شدن شهر در منطقه پیرامونی استوار بود (علی‌مرادی و همکاران، ۱۳۹۹). نظام شهرسازی صفویه مبتنی بر سلسله‌مراتب شهری (دسترسی، تقسیمات خدمات شهری، تقسیمات سازمان کالبدی، فضا) بود. بر این اساس شهر به هسته‌های شهری (محله) مختلف تقسیم می‌شد. اهمیت خانواده و حفظ حرمت آن در اسلام موجب درونگرایی هسته شهری و جدایی آن از مرکز شهر شده بود. لذا هسته‌های شهری بر مبنای مفاهیم فوق یک عرصه نیمه خصوصی و نیمه عمومی تعریف می‌شد. در این ارتباط، سلسله‌مراتب معابر و خدمات در درون هسته شهری تعریف شده بود که ضمن تسهیل استفاده از امکانات محله برای ساکنین آن، امنیت

محله نیز تامین می‌شد (علی‌مرادی و همکاران، ۱۳۹۹).

**نظام ساختاری و شکلی معماری و شهرسازی ایران دوره صفویه:** وقتی از نظم صحبت به میان می‌آید، نظم در نقش یک واقعیت هندسی ژرف که بتواند کاربردی باشد؛ خود را بروز می‌دهد. الکساندر در تعریف نظم چند خصوصیت را عنوان می‌کند: وی نظم را واجد صفت تمامیت (کلیت) و نیز میزان نسبی هماهنگی و حیات و کلیت می‌داند، و از همه مهم‌تر برای آن، جنبه انسانی قائل است (الکساندر، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۲). نظم می‌تواند به وسیله ساختار قابل تعریف باشد. از طرفی در نظام فکری مسلمانان؛ نظم بخشیدن به فضا، با هدف تعقل و اتصال با عالم مثالی نیازمند فضای کیفی است که در ارتباط با هندسه‌ای خاص قرار دارد. انتظام و تناسب به منزله قوانینی کیهانی‌اند و بر عهده آدمی است تا فرایند آن را از راه حساب، هندسه و هماهنگی دریابد (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۲۱). هرچند بخش عمده‌ای از پیدایش هندسه مدیون وجه کاربردی آن است، اما وجه قدسی و باور به ارزش‌های دینی در تداوم آن مؤثر بوده است. در دوره صفوی موجبات تجلی کالبدی این اندیشه دیده می‌شود (مدقالچی، صدری کیا، ۱۳۹۷). در این دوران بنا به دیدگاه دینی و فرهنگی، تحولات عمده‌ای در شهرها به وجود می‌آید که سبب یکپارچگی شهر و ایجاد روابط منطقی و سلسله‌مراتبی میان نقاط شاخص شهری از طریق سازماندهی جدید می‌شود. در دوره صفویه - که جایگاه ممتازی در تاریخ ایران به خود اختصاص داده است - حکومت به سبب تمرکز قدرت سیاسی، که اولین حکومت متمرکز بعد از اسلام در ایران است و نیز به سبب تأکید ویژه به فرهنگ شیعه، از لحاظ شهرسازی زائیده تمدنی می‌شود که علاوه بر ایران، تأثیرات جهانی خود را نیز به منصفه ظهور می‌رساند، که می‌تواند در قالب محورهای نظام سلسله‌مراتبی، هندسه فضایی، نظم قدسی، نظام هم‌پیوندی و نظام عملکردی بررسی شود.

**نظام سلسله‌مراتبی:** شکل‌گیری دولت صفوی، جمع‌بندی دقیقی از همه اشکال گذشته است. جمع‌بندی ماهرانه از فلسفه هنر، معماری و شهرسازی روزگاران کهن به گونه‌ای است که خود، مکتب جدیدی را در این عرصه‌ها سبب می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۲: ۹۲). در این دوران بنا به دیدگاه دینی و فرهنگی، تحولات عمده‌ای در شهرها به وجود می‌آید که سبب یکپارچگی شهر و ایجاد روابط منطقی و سلسله‌مراتبی، میان نقاط شاخص شهری از طریق سازماندهی جدید می‌شود (میرفندرسکی،

و شکل قابلیت انتقال و انعکاس مفاهیمی را دارد. این مسئله زمانی که فرهنگ و اعتقادی غنی همچون معماری ایرانی در پشتوانه خلق فضاها باشد، ملموس‌تر خواهد شد.

معماری و شهرسازی دورهٔ صفوی از الگوهای هندسی به صورت گسترده‌ای استفاده شده است. هرچند بخش عمده‌ای از پیدایش هندسه مدیون وجه کاربردی آن است، اما وجه قدسی و باور به ارزش‌های دینی در تداوم آن مؤثر بوده است. در دورهٔ صفوی موجبات تجلی کالبدی این اندیشه دیده می‌شود، که با دارا بودن مفاهیم غنی، بالقوه و نیز متأثر از دیدگاه‌های فلسفی این دوران، توانسته است، عنصر ماندگاری را در خود تقویت کرده و به بالابردن ادراک عقلانی منجر شود (مدقالچی، صدری‌کیا، ۱۳۹۷).

- **نظم قدسی:** معماری قدسی در هنر قدسی نقشی اساسی ایفا می‌کند و کالبد معماری را با ذات نهانی پیوند می‌دهد. از منظر جهان‌بینی قدسی، درهر چیزی معنایی نهان و مستتر است و مکمل هر صورت خارجی واقعیتی است که ذات نهانی و درونی آن را شکل می‌دهد و جنبه‌ای کیفی است (اردلان، ۱۳۸۰: ۵۰). ویژگی هنر قدسی در معماری به گونه‌ای است که باور به ملکوت و بیان معانی را از طریق هنری انتزاعی (تزئینات، فرم و...) ممکن می‌سازد (مهدی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵). از ویژگی‌های مهم معماری دورهٔ صفویه نیز تزئینات آن است. نقوش تزئینی به کار رفته در معماری این دوره به حالت انتزاعی و با رمزپرداری با مخاطبان صحبت می‌کند و این از ویژگی‌های بارز معماری این دوره است. مسجد از آن خداست و به مثابه نمادی آشکار از رحمت الهی اش و زبانی نمادین از انگاره‌های معنوی و مذهبی مطرح شده در این دوره است (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۰-۷۷). علاوه بر این از ویژگی‌های دیگر نظم مقدس در معماری و شهرسازی دورهٔ صفویه، استفاده از عناصر طبیعی به مثابه آیات و نشانه‌های خداوند است وجود حوض‌های آب درون میادین، مساجد و خانه‌های که نشان دهنده فرهنگ ایرانی است انسان را به عنوان عنصری از طبیعت می‌داند. تبلور مفهوم توحید در عبادت از طریق جهت‌گیری مساجد، انطباق مسیر معابر با نمادها و نشانه‌های نظم مقدس (مناره‌ها، گنبد‌های اماکن مذهبی و بناهای فرهنگی) نیز از دیگر نمودهای نظام مقدس در معماری این دوره است.

- **نظام هم‌پیوندی:** نظام شهرسازی صفویه، جمع‌بندی دقیقی از همه اشکال گذشته شهرسازی و نگاه کاربردی به گذشته برای

در دورهٔ صفوی، سلاطین با تقویت جایگاه خود در جامعه و در جهت توسعهٔ شهری، باغ‌شهرهای جدیدی در مراکز حکومتی احداث کردند. مؤلفه‌های متأثر از نظام هندسی علاوه بر سازماندهی کالبدی و شکل دادن به کلیت شاکله شهر، بر مفاهیمی همچون مفصل‌ها، جهت‌ها و محورها، سلسله‌مراتب، ارزش‌گذاری، مرتب و منزلت، تعیین فضایی و به هم‌پیوستگی تأکید کردند (مدقالچی، صدری‌کیا، ۱۳۹۷). در نظام شهرسازی صفویه پیوند یک فضا به فضای دیگر بر اساس الگوی سه بخشی: ارتباط (اتصال، وصل، دروازه)، گذر (فضای انتقالی) و اوج (انجام، مقصود، فضای نهایی، انفجار فضا) صورت می‌گیرد. سازمان کالبدی در نظام شهرسازی صفویه دارای ترکیبی منسجم و مرتبط لاجزاء و به صورت یک کل یا یک نظام است. مرکز شهر و سایر مراکز به منزله مراتبی از اجزاء و گذرهای اصلی و میدان‌ها به صورت عناصر پیوند دهنده اجزا محسوب می‌شوند. به دیگر سخن یک پیوند فضایی میان عناصر مجموعه تاریخی یعنی مرکز شهر و مراکز محلات از طریق یک سلسله فضاها و عناصر ارتباط دهنده، گذرهای اصلی و میدان وجود دارد.

- **هندسه فضایی:** تأکید اصلی معماری و شهرسازی ایرانی بر نوعی جهان‌بینی زیبایی‌شناسانه استوار بوده است ایرانیان در طول قرن‌های متمادی همواره ارزش والایی برای زیبایی قائل بوده و علم هندسه را ابزار قدرتمندی برای این کار می‌دانسته‌اند که با استفاده از آن توانسته‌اند تعادل، هماهنگی، زیبایی و نظم را در روی زمین بیافرینند (بختیار نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۵). بر این اساس نظام شهرسازی دورهٔ صفویه نیز تحت تأثیر ایدئولوژی اسلامی و بر پایه یک جریان فکری و اعتقادی تجلی فضایی پیدا می‌کند. به دیگر سخن در نظام شهرسازی دورهٔ صفویه میان اعتقادات و فضاها شهری مناسبتی وجود داشته است (علی‌مرادی و همکاران، ۱۳۹۸). در هنر و معماری هندسه دارای اهمیت و مفهوم ویژه است و گسترش خود را در فلسفه و راه حیات می‌جوید و تجلیگاه افکار الهی و عقلانی و ادراک جهان هستی است. معماری با استفاده از هندسه، خواص فضایی خود را که برخاسته از نگرش، احساسات و تفکرات خاص است به تصویر می‌کشد، در واقع هندسه یک ایده شکل دهنده در معماری است که در تعیین پلان و شکل سه بعدی بنا مورد استفاده قرار می‌گیرد (رابرت، ۱۳۶۸: ۷۳). هر فضایی در معماری با در نظر گرفتن هندسه



مختلف ایران زمین است. اولتاریوس در سال ۱۰۱۲ هجری قمری در زمان سلطنت شاه صفی به ایران آمد و شرح مفصلی درباره اردبیل و چند شهر مهم ایران در سفرنامه خود نگاشته است (عسگری نمین، ۱۳۹۳: ۱۷۰). عنصر توصیفی در سفرنامه اولتاریوس، برجسته‌ترین ویژگی سفرنامه وی محسوب می‌شود.

اولتاریوس بر آن بوده است تا در هر شهر و دیار، اماکن مشهور تاریخی، مذهبی و مورد توجه را حتماً بازدید کند و خصیصه‌های فرهنگی و معماری بناها به توصیف کامل آنها بپردازد.

اولتاریوس به شهرهای اصفهان، قم، صبا (ساوه) و کاشان نیز سفر کرده و به ترسیم نقشه این شهرها پرداخته است. برخی از این ترسیم‌ها به عنوان تنها سند تصویری آن شهر در آن دوره محسوب می‌شود و ارزش مطالعاتی زیادی دارد. از خصوصیات کلی نقشه‌های اولتاریوس می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. در نقشه‌ای اولتاریوس عنوان نقشه در بالا نوشته شده است و به عنوان مشخصه نقشه قابل مشاهده است؛ ۲. تصویر به همراه بخشی از طبیعت شهر ترسیم شده. ۳. در زیر تمامی نقشه‌ها عناوین فضاها نوشته شده و عناصر فضایی شهر به صورت دسته‌بندی آورده شده است. در زیر به شرح مختصری از سفرنامه اولتاریوس از این شهرها و شیوه ترسیمی نقشه‌ها پرداخته می‌شود.

شهرها از منظر اولتاریوس وابسته به یک عنصر اصلی و شاخص بوده است. بنابراین در ترسیم نقشه شهرها تلاش می‌کرد که کلیات شهر را بر اساس این عنصر شاخص ببیند به این صورت که عنصر اصلی شهر را در درجه اول اهمیت قرار داده و در مرکز نقشه‌ها ترسیم می‌کرد و در این ترسیم ممکن بود که موقعیت قرارگیری در نقشه شهر خیلی با واقعیت منطبق نباشد (ابی زاده، ۱۳۹۶: ۹۱). در «جدول ۱» به بررسی عناصر مهم معماری و شهرسازی دوره صفویه از دیدگاه اولتاریوس پرداخته می‌شود. با بررسی نقشه‌های ترسیمی اولتاریوس که در این جدول آمده می‌توان نتیجه گرفت که سمت انتخابی سمت قبله بوده است و هدف اصلی ترسیم عناصر شاخص شهر بوده که بقیه فضاهای شهری در کنار آنها ترسیم شده است (اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۱۶۹-۱۷۱). در واقع اولتاریوس سفرنامه‌نویس آلمانی در سفر به ایران عناصر شهری را پدیده‌ای ادراکی-شناختی معرفی می‌کند، که در جریان داد و ستد میان

ساخت ماهرانه اوضاع و احوال جدید جهان آن روزگاران بود. در حقیقت به دنبال الگوهای فضایی بوده است که در مسیر قوام یافتن شایست هنر از گذشته، پاسخگوی نظم فضایی مناسب برای عصر خود باشد. مصادیق زیادی از تداوم و پیوستگی تاریخی بر مبنای ارتقاء ساختار فضایی شهر در نظام شهرسازی صفویه وجود دارد (علیمرادی و همکاران، ۱۳۹۹).

**نظام عملکردی (تناسبات طراحی):** تناسبات، مجموع‌های از نسبت هاست. هردستگاه ساماندهی تناسب، دارای نسبت‌های ویژه‌ای است که میان اجزا با یکدیگر و نیز هر جزء با کل برقرار است. در عرصه معماری، تناسبات نسبت‌های مقایسه‌های گمیت‌ها و کیفیت‌های مختلف ناهمسانی را شامل می‌شود (عطاریان و همکاران، ۱۳۹۴). درباره تناسبات در هنر، هدف بنیادی تمامی نظریه‌ها پدیدآوردن احساس نظم و سامانمندی میان بخش‌های یک ترکیب بصری است. با اینکه تناسبات در نگاه نخست ممکن است به نظر بیننده نیابند لیکن ترکیب بصری پدید آمده، در یک رشته تجربیات پیوسته، می‌تواند پدیدآورنده حس زیبایی شود (نقره کار، ۱۳۸۹: ۱۸۹). طرح‌های انجام‌یافته در دوره صفویه دارای نقشه‌های استادانه و ماهرانه‌ای بوده و از تناسبات و ترکیب‌های با قدرتی برخوردارند که هم در زیبایی و نقش هنری آنها و هم در پاکیزگی تناسبات، می‌توان به وضوح شاهکارهای معماری هنرمندان آن دوران را ملاحظه کرد (انصاری، ۱۳۸۹: ۱۵۴). تناسب را می‌توان هم در عناصر شهری و هم در عناصر معماری مشاهده کرد. مساجد نمونه‌ای از بناهای متناسب از نوع عملکردی در شهر و ساختار فضایی به عنوان بنای معماری است. تناسبات در معماری اندام‌های ساختمان را از نظر درستی طرح، استواری و زیبایی تضمین کرده است. و این مفاهیم همواره به عنوان ضابطه‌ای در معماری ایرانی مورد استفاده قرار گرفته است. معمار ایرانی با به‌کارگیری آن، اجزا و اندام‌های بنا را به یکدیگر پیوند داده و بدین شکل با استفاده از تناسبات نیکو بین اجزای بنا در خلق اثری هماهنگ و متناسب موفق بوده است (انصاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۳).

### یافته‌های پژوهش

#### عناصر ساختاری شهرها در سفرنامه آدام اولتاریوس

از قدیمی‌ترین سفرنامه‌های سیاحانی که در دوره صفویه به ایران سفر کرده‌اند می‌توان به سفرنامه آدام اولتاریوس اشاره کرد که حاصل دیده‌ها و شنیده‌های وی از چندین سال سفر به نقاط

خصوصیات کالبدی و قابل ادراک شهر از یک سو و الگوها و رمزهای فرهنگی، توانایی‌های ذهنی، تجارب قبلی و اهداف ناظر از سوی دیگر شکل می‌گیرد.

نتیجه‌گیری  
بر اساس بررسی‌های انجام شده بر روی سفرنامه آدام اولناریوس می‌توان دریافت که پیدایش نظم و کلیتی معنادار در شهرهای دورهٔ صفویه، متأثر از نظام هندسی و سازماندهی کالبدی

جدول ۱. عناصر مهم معماری و شهرسازی دورهٔ صفویه از دیدگاه اولناریوس.

شهر	تاریخ ورود به شهر	عناصر معماری	عناصر شهری	نقشه ترسیمی آدام اولناریوس
اردبیل	۱۰ آوریل ۱۶۳۷ میلادی (۱۱۷۷ش-۱۰۷۸ش)	<ul style="list-style-type: none"> <li>- بقعه شیخ صفی</li> <li>- بازار</li> <li>- جمعه‌مسجد</li> <li>- پل‌ها</li> <li>- حمام‌ها</li> <li>- میدان‌ها</li> <li>- خانه‌ها با باغ میوه</li> <li>- دو رودخانه (بالخلو و اهل ایمان)</li> <li>- دارای چهار دروازه در جهت راسته‌های اصلی بازار</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- شهر در وسط جلگه به شکل دایره‌ای منتظم</li> <li>- شهر بدون حصار و بدون برج و بارو</li> <li>- شهر دارای کوچه‌های کوچک فراوان و پنج کوچه اصلی وسیع</li> </ul>	
کاشان	۲۳ ژوئیه ۱۶۳۷ میلادی (۱۱۷۷ش-۱۰۷۸ش)	<ul style="list-style-type: none"> <li>- بازار</li> <li>- میدان بزرگ و اصلی</li> <li>- باغ زیبای شاه دارای دو کاخ</li> <li>- کاروانسراهای باشکوه</li> <li>- مسجد جامع</li> <li>- قلعه جلالیه و حصارسلجوقی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- شهر با فرم مستطیلی</li> <li>- دارای حصارهای گلی دورتادور شهر</li> </ul>	
قم	۱۹ ژوئیه ۱۶۳۷ میلادی (۱۱۷۷ش-۱۰۷۸ش)	<ul style="list-style-type: none"> <li>- حرم حضرت معصومه</li> <li>- یادگار معماری شاه اسماعیل</li> <li>- میدان اصلی شهر</li> <li>- کوچه و خیابانهای خاکی بدون سنگ فرش</li> <li>- خانه با سقف‌های گنبدی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- واقع در جلگه‌ای هموار و مسطح</li> <li>- دو رودخانه از رشته کوه‌های الوند سرچشمه می‌گیرد</li> </ul>	
اصفهان	۳ اوت ۱۶۳۷ میلادی (۱۱۷۷ش-۱۰۷۸ش)	<ul style="list-style-type: none"> <li>- میدان بزرگ شهر</li> <li>- مساجد و عبادتگاه‌های باشکوه</li> <li>- بازار بزرگ شهر</li> <li>- کاروانسراهای بزرگ</li> <li>- چهارباغ باشکوه</li> <li>- پل‌ها</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- قرارگیری بردشت هموار</li> <li>- دروازه‌های ورودی شهر</li> <li>- حصار دور شهر و باروهای خشت و گلی بر روی حصار</li> <li>- دارای رودخانه بزرگ و نهرهای کوچک</li> </ul>	
سبوه (شهر صبا)	۱۵ ژوئیه ۱۶۳۷ میلادی (۱۱۷۷ش-۱۰۷۸ش)	<ul style="list-style-type: none"> <li>- بافت تاریخی شامل مسجد، آب انبارها، تیمچه‌ها، حمام‌ها و راسته بازار</li> <li>- مسجد جامع دارای مناره</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- واقع در وسط دشت مسطح</li> <li>- شهر واقع در مسیر کاروانی</li> <li>- دارای حصار و دیواری گلی دورتادور شهر</li> <li>- دارای مسجد جامع</li> </ul>	

است. شکل دادن به کلیت شاکله شهر، بر مفاهیمی همچون؛ مفصل‌ها، جهت‌ها و محورها سلسله‌مراتب، ارزش‌گذاری، مرتبت و منزلت تعیین فضایی و به هم پیوستگی تأکید می‌کند. این تحلیل که از روی نقشه‌های ترسیمی آدام اولتاریوس از پنج شهر، اردبیل، کاشان، قم، اصفهان و سمنان یا به نقل ایشان شهر صبا انجام گرفته است؛ می‌توان دریافت که در دوره صفوی، سلاطین با تقویت جایگاه خود در جامعه، در جهت توسعه شهرها و مراکز حکومتی پیش می‌رفته‌اند.

جدول ۲. نمود نظام ساختاری معماری و شهرسازی در سفرنامه آدام اولتاریوس.

نمود در شهر		ویژگی‌ها	نظام ساختاری	
اردبیل	خیابان‌های اصلی و فرعی	- رعایت اصل قلمرو و حریم فضایی - رعایت سلسله‌مراتب شهری (دسترسی، کالبدی، خدماتی)	مؤلفه‌ها	نظام سلسله‌مراتبی
کاشان	مراتب ورود به شهر تا قلعه		مراتب و توالی فضایی	
قم	ورود و مراتب تا رسیدن به حرم			
اصفهان	خیابان‌ها و کوچه‌ها و سلسله‌مراتب دسترسی در میدان اصلی شهر		تداوم و سیالیت	
اصفهان	حرم و حصار دور شهر	- شکل‌گیری محور توسعه شهر - زیبایی و تعریف فضایی	تقارن موضعی	هندسه فضایی
اصفهان	چینش اماکن مذهبی و حکومتی و تجاری		تبادل فضایی	
اصفهان	شهری مستطیلی با میدان بزرگ در مرکز شهر		تکرار (تناوبی)	
اصفهان	گسترش شهر حول محور حرم		قاعده انعکاس	
اصفهان	ساختار اصلی شهر با امتدادی دقیق به ترکیب و نظم هندسی		- جهان‌بینی الهی و توحید - کثرت در وحدت و وحدت در کثرت	
اصفهان	چشم عناصر اصلی شهر بر محور شرقی-غربی	مفاهیم و معانی		
اصفهان	گنبد الله الله و تزئینات بقعه شیخ صفی			
اصفهان	نطباق مسیر معابر با نمادها و نشانه‌های نظم مقدس	الگوی فضایی		نظام هم‌پیوندی
اصفهان	تزیینات حرم، استفاده از عناصر طبیعی به مثابه آیات و نشانه‌های خدا			
اصفهان	تزیینات مساجد و تبلور مفهوم توحید در عبادت از طریق جهت‌گیری مساجد	- رعایت هم‌پیوندی - ایجاد معماری شهری نه در حد بناهای منفرد بلکه به صورت مجموعه گسترده و پیوسته	به هم پیوستگی درونی و بیرونی (رابطه با بستر)	
اصفهان	مسجد جامع شهر			
اصفهان	معبور اصلی از دروازه‌ها به مرکز شهر		ساختارمندی	نظام عملکردی (تناسبات طراحی)
اصفهان	قرارگیری خانه‌ها با اجزا و عناصر شهری به صورت مجموعه یکپارچه			
اصفهان	پیوند حرم با تمامی عناصر شهری	- تناسب طراحی فضا با زندگی اجتماعی مردم (همخوانی فرم، عملکرد و معنا)	میدان اثر (عناصر و اجزاء)	
اصفهان	متداد محور چهارباغ به عنوان لولای خطی بین سازمان فضایی			
اصفهان	پیوند بافت با عناصر اصلی شهر			
اصفهان	میدان اصلی شهر و بازار در کنار بقعه شیخ صفی			
اصفهان	عملکرد میدان در شهر کاشان	میدان اثر (عناصر و اجزاء)		
اصفهان	عملکرد حرم در شهر			
اصفهان	انسجام عناصر پیرامونی و درونی شهر			
اصفهان	عملکرد و تناسبات مسجد جامع در شهر			

تجاری، حکومتی و مذهبی، محل وقوع مهم‌ترین تجمعات شهری و مهم‌ترین رویدادهای اجتماعی نیز در آن شکل می‌گیرد. از دیگر ویژگی‌های نظام معماری و شهرسازی حاکم بر شهرهای ایران از دید اولناریوس درونگرایی است. این ویژگی که ریشه در فرهنگ اسلامی دارد، مبتنی بر سنت‌های زندگی اجتماعی ایرانیان و همچنین شرایط اقلیمی ایران است که محیط‌های سرپوشیده عمومی را ایجاد می‌کند. به همین علت در بسیاری از شهرهای ایران از جمله اردبیل، دیوار حیاط‌ها و باغ‌ها بلند بوده و از بیرون هیچ چیز آشکار قابل رویت نبوده است. در شهر اصفهان که خیابان و باغ در پیوند عمیق با یکدیگر بودند، انسجام شهر از طریق ادامه یافتن و پیش‌روی خطوط هندسی باغ به سمت شهر و ایجاد فضایی وحدت‌بخش، شکل گرفته است و خیابان شهری از نظر هندسه و الگوهای طراحی و نیز از نظر پیوند با طبیعت و وجود آب و گیاه، مبتنی بر آن بوده و با وجود عملکرد اجتماعی بیشتر، با ساختاری منطبق بر باغ ایرانی ظهور و بروز داشته و ساختار و استخوان‌بندی اصلی شهر را شکل داده است.

در این دوره خیابان‌ها به مثابهٔ یکی از عناصر شاخص این توسعه شناخته می‌شدند و هندسه خیابان، با دارا بودن وجوه معنایی در کنار وجوه کالبدی و کارکردی، سبب پیدایش و تدوام حیات این عناصر شهری می‌شده است. در زمان سفر آدام اولناریوس در شهر اصفهان که پایتخت سیاسی ایران در آن دوره به شمار می‌رفت، خیابان جایگاه سلطنتی را تقویت می‌کرد؛ زیرا با برگزاری مراسم مختلف به عنوان فضایی عمومی، سلسله‌مراتب و سلطه بر رعایا را به نمایش می‌گذاشت از ویژگی‌های معماری و شهرسازی صفویه که در نقشه‌های اولناریوس و روایات او از سفر به چشم می‌خورد استفاده از مقیاس عظیم و به‌ویژه میادین بزرگ در شهرها است. میادینی که مهم‌ترین فضاها و بناها مورد نیاز شهری را در برداشته، از قبیل فضاهای مذهبی که تبلور تام و کامل آن با مساجد، مخصوصاً مساجد جامع ظهور و بروز می‌یافته و فضای اقتصادی و تجاری که در بازارها، قیصریه‌ها و کاروانسراها متبلور می‌شود و همچنین اماکن حکومتی که در کاخ‌ها و قصرها تجلی پیدا می‌کند و علاوه بر تمرکز فعالیت‌های

## فهرست منابع

اسلامی، فصلنامه علمی- پژوهشی معماری اسلامی، شماره دوم، حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۲)، *از شار تا شهر (تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر)*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. خاتمی، محمود (۱۳۹۰)، *پیش‌درآمد فلسفه‌ای برای هنر ایرانی*، ویرایش فنی عباس رکنی، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متین. ریاض الاسلام (۱۳۷۴)، *تاریخ روابط ایران و هند در دوره صفویه و افشاریه*، ترجمه محمدباقر آرام و عباسقلی غفاری فرد، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

شاردن، ژان (۱۳۳۵)، *سیاحتنامه شاردن*، جلد ۲، ترجمه محمدعباسی، تهران: امیرکبیر.

صفاکیش، حمیدرضا (۱۳۹۰)، *صفویان در گذرگاه تاریخ*، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.

طیسی، محسن (۱۳۸۶)، شناسایی و تحلیل مؤثر بر تغییرات کالبدی و عملکردی معماری گرمابه‌های ایران دوره صفوی، *پایان‌نامه دکتری پژوهش هنر*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

طیسی، محسن؛ فاضل نسب، فهیمه (۱۳۹۱)، *بازشناسی نقش و تأثیر جریان‌های فکری عصر صفوی در شکل‌گیری ورودی مساجد مکتب اصفهان*، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱.

عسگری نمین، یحیی (۱۳۹۳)، *اردبیل در سفرنامه مستشرقین با فرازی از زندگی جهان‌گردان اروپایی*، نگین سیلان.

عطاریان، کورش؛ مؤمنی، کورش؛ مسعودی، زهره (۱۳۹۴)، بررسی

ابی‌زاده، سامان (۱۳۹۶)، تبیین الگوی فرهنگی تحول تاریخی شهرهای اسلامی (نمونه موردی: شهر اردبیل دوره صفوی)، رساله دکتری شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

اردلان، نادر، بختیار، لاله (۱۳۸۰)، *حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی*، ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان: انتشارات خاک.

استیرلن، هانری (۱۳۷۷)، *اصفهان تصویری از بهشت*، ترجمه جمشید ارجمند، تهران: تندیس نقره‌ای.

الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۲)، *سرشت نظم*، جلد ساختارهای کهنه نیست بلکه در پی حفظ آن با کمتر، ترجمه پرهام اکبری، تهران: نقش.

انصاری، جمال (۱۳۸۹)، *هنر و معماری ایران: آشنایی با هنرها و پدیده‌های معماری ایران*، انتشارات سبحان نور.

انصاری، مجتبی؛ اخوت، هانیه؛ تقوایی، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، *تحقیقی پیرامون سیرتاریخی سیستم‌های تنظیم تناسبات در معماری با تأکید بر ملاحظات کاربردی و زیبایی‌شناسی*، کتاب ماه هنر (۱۵۱)، ۴۶-۵۸.

بختیار نصرآبادی، آمنه؛ پورجعفر، محمدرضا؛ تقوایی، علی‌اکبر (۱۳۹۵)، *تحلیلی بر نقش زیباشناسانه هندسه در شکل‌گیری فضای شهری چهارباغ عباسی*، فصلنامه علمی-پژوهشی *مطالعات شهری*، شماره هفدهم.

بمانیان، محمدرضا؛ پورجعفر، محمدرضا؛ احمدی، فریال؛ صادقی، علیرضا (۱۳۸۹)، *بازخوانی هویت معنوی و انگاره‌های قدسی در مساجد شیعی، نشریه شیعه‌شناسی*، شماره ۳۱.

پور احمد، احمد؛ موسوی، سیروس (۱۳۸۹)، *ماهیت اجتماعی شهر*

مزاوی، میش ل. م (۱۳۶۸)، *پیدایش دولت صفوی در ایران*. ترجمه یعقوب آژند، چاپ دوم، تهران: نشرگستره.

مهدی‌نژاد، جمال‌الدین؛ طلوع‌دل، طاهر؛ محمدصادق، عظیمی؛ حمیدرضا، علی صادقی حبیب‌آباد (۱۳۹۵)، *جستاری بر ویژگی‌های معماری ایرانی-اسلامی و هنرهای قدسی مبتنی بر تعالی معماری، پژوهش‌های هستی‌شناختی، دوفصلنامه علمی-پژوهشی، سال پنجم، شماره ۱۰، صفحات ۵۰-۳۱*.

میرفندرسکی، محمدامین (۱۳۷۴)، *باغ به مثابه پیش‌درآمدی به شهر، مجموعه مقالات نخستین، کنگره معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، کرمان (جلد پنجم)، ۱۳۳-۱۲۳صص، سازمان میراث فرهنگی کشور*.

نظیف، حسن (۱۳۹۲)، *پایداری اندام‌های ایرانی در گذر از دوران اسلامی، فصلنامه هنر و معماری باغ نظر، شماره ۲۴*.

نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۸۷)، *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر معما و طراحی شهری، شرکت طرح و نشر پیام سیما*.

ورجاوند، پرویز (۱۳۷۵)، *بهره جستن و هماهنگی با طبیعت و پاسخ به نیازها، جانمای شهرسازی و معماری ایران، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۳، سازمان میراث فرهنگی کشور*.

تناسبات حیات مساجد دوره صفویه اصفهان، فصلنامه علمی-پژوهشی *مطالعات تطبیقی هنر*، سال پنجم، شماره دهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.

علی‌مرادی، علی؛ احمدی، حسن؛ قبادیان، وحید (۱۳۹۸)، *تحلیل آموزه‌های شهرسازی در شکل‌گیری کالبد شهر (مطالعه موردی: دوره صفویه، شهر اصفهان)*، *دانش شهرسازی*، دوره ۳، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، صص ۳۳-۵۳.

علی‌مرادی، علی؛ احمدی، حسن؛ قبادیان، وحید (۱۳۹۹)، *خوانش شهرسازی معناگرا در شکل‌گیری کالبدی شهر در نظام شهرسازی دوره صفویه در ایران، دانش شهرسازی*، دوره ۴، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۹، صص ۶۳-۸۰.

لور، رابرت (۱۳۶۸)، *هندسه مقدس: فلسفه و تمرین*، ترجمه هایده معیری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

محمدی، محمود (۱۳۷۴)، *تغییر ساختار قدرت در ایران و تغییر شکل شهر، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور*.

مدقالچی لیلا؛ صدری کیا، سمیه (۱۳۹۷)، *تبیین اصول هندسی حاکم بر خیابان در شهرهای دوره صفوی مطالعه موردی: اصفهان، قزوین و مشهد*، فصلنامه علمی-پژوهشی *مدیریت شهری*، شماره ۵۳، زمستان ۱۳۹۷.